

## با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

کرده است. دولت احمدی نژاد تا به حال تنها با حمایت بی‌دریغ رهبری و فرار از پاسخگویی به افکار عمومی، مجلس و قوه قضاییه پایدار مانده است. حال باید پرسید به نظر ایشان کدام راهکار بهتر است؟ دولت احمدی نژاد با فرمان ولایت مدارانه رهبر کناربرود یا افکار عمومی با به رسمیت شناختنش، به خاطر ناکارآمدی کنارش بزنند؟ به زبان ساده‌تر، دولت قربانی بقای حاکمیت شود یا سقوط دولت، شانس در جهت قدرت نمایی ملت باشد؟

۲- وقایع بعد از انتخابات، و خشونت ورزی بی حد حاکمان جمهوری اسلامی و هزینه های تحمیل شده به معترضان، مردم را به سمت رادیکال شدن در خواست ها سوق می دهد و شاید کار بدانجا برسد (اگر تا بحال نرسیده باشد) که گروهی دیگر حاضر به قبول جمهوری اسلامی به عنوان نظام حاکم بر ایران نباشند و تحت هر شرایطی راه براندازی را بخواهند پیشه کنند. اصحاب این تفکر در مقابل بیانیه موسوی به او خرده می‌گیرند که چرا تکلیف را با ولایت مطلقه فقیه مشخص نکرده است.

در جواب کسانی که مشخص نکردن تکلیف اصل ولایت مطلقه فقیه در بیانیه موسوی را ضعف این بیانیه می‌دانند باید یادآوری کرد که جنبش سبز هفت ماه از عمر خود را پشت سر گذاشته است و همچنان دست درگلاویز حاکمیت دارد، اما با وجود تمام جانبازی و هزینه‌هایی که متحمل شده و هزینه‌هایی که به حاکمیت تحمیل کرده، موفق نشده است حاکمیت را به عقب براند. جنبش سبز هنوز دولت احمدی نژاد را بر سر خود دارد، حال چگونه سنگر اول را فتح نکرده برای سنگر بعدی خیز بردارد؟! در نگاه از زاویه‌ای متفاوت به نظر می‌رسد موسوی دغدغه‌های دیگر نیز دارد. او با مطرح کردن این راهکارها به همراهان هوادار رادیکال‌تر در جنبش سبز هشدار پنهان می‌دهد که به خاطر داشته باشند، همه همراهان در یک سطح از توقعات نیستند. جنبش سبز بر اساس حداقل‌ها بنیان یافته است و خواسته‌های حداکثری عده‌ای در آن، خواسته‌های حداقلی عده‌ای دیگر است. او در تلاش است که با یادآوری این نکته، همراهان جنبش را از رادیکالیته شدن باز دارد؛ اما در عین حال اگر این خواسته‌ها پذیرفته شود، راه همراهان جنبش سبز که توقعات حداکثری دارند برای رسیدن به هدف، که حق ایشان است، باز خواهد بود. آنها می‌توانند با تبلیغ عقاید خود در تشریفات آزاد، برگزاری اجتماعات، شرکت در انتخابات و... جامعه را به سمت هدف خود سوق دهند.

اما سوالی که مهم می‌نماید اینکه چرا مهندس موسوی در شرایطی که به نظر نمی‌رسد حاکمیت به وجوب مصالحه دست یافته باشد، به دادن راهکارهای خود برای مصالحه دست می‌زند؟ موسوی با این بیانیه خود را در معرض قضاوت‌هایی قرار می‌دهد، مانند اینکه او ترسیده و یا مثلاً از ادامه راه خسته شده است. اما او با چه هدفی خود را در معرض این قضاوت‌ها قرار می‌دهد؟ < صفحه ۱۱

ایران نمی‌دادند و نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ را دستکاری شده فرض می‌کنند. این طیف رنگارنگ از اقلیت دیندار سنتی و مریدان آیت‌الله خمینی تا گروه‌هایی مانند حزب کمونیست کارگری را در خود جای داده است. این رنگارنگی طیف‌های حاضر در جنبش سبز، این جنبش را دچار یک تناقض از دورن کرده است. چنانکه گروهی در آن به دنبال اصلاح جمهوری اسلامی و طیفی نیز به سودای براندازی حکومت با آن همراه است. حال سوال اینجاست آیا خواسته‌های پنج‌گانه مهندس موسوی نظرات همه این طیف‌ها را برآورده می‌کند؟

در پاسخ به این سوال باید دوباره تاکید کرد که این جنبش نه تنها همراهانی برانداز را با خود دارد، اما وفاداران به جمهوری اسلامی را نیز همراه خود دارد. خود میرحسین موسوی از آن دست افراد همراه با جنبش محسوب می‌شود که هیچگاه نمی‌توانند نظامی فراتر از جمهوری اسلامی را متصور شوند. راهکارهای میرحسین موسوی، خواسته‌هایی کاملاً حداقلی و ریشه‌ای هستند. شاید این راهکارها، مطلوب غایبی همه افراد همراه با جنبش سبز نباشد؛ اما هیچکدام از آنها نمی‌توانند مخالفتی با آن داشته باشند. چنانکه حتی اگر موافقان براندازی بتوانند حکومت دیگری را تصویر کنند، این فصول را باید رعایت کنند و در عین حال نیز جمهوری اسلامی در صورت توافق با این درخواست‌ها، دچار استحاله از دورن می‌شود و ماهیت حکومت از فرد محوری به جامعه محوری تغییر می‌کند. به عبارتی دیگر، با پذیرش این درخواست‌ها حکومت «حوزه عمومی» را به جامعه واگذار می‌کند.

مهمترین رئوس و دغدغه منتقدان بیانیه میرحسین موسوی در دورن جنبش سبز را میتوان به دو سرفصل تقسیم کرد:

۱- به رسمیت شناخته شدن دولت دهم از سوی میرحسین موسوی در بیانیه شماره هفدهم یکی از انتقادهای جدی گروهی از همراهان جنبش سبز است. آنها مطرح می‌کنند که خون‌های ریخته شده و زحمات کشیده شده همگی در نفی دولت «برآمده از تقلب» دهم است؛ پس چرا موسوی با درخواست مسئولیت‌پذیری دولت، عملاً نخست دولت را به رسمیت شناخته و سپس از دولت مسئولیت‌پذیری را درخواست کرده است.

در جواب این انتقاد می‌توان مطرح کرد که آیا «مخالفان اصل پذیرش دولت» به این اندیشیده‌اند که راهکارشان برای ساقط کردن دولت دهم چیست؟ آیا آنها منتظرند دولت خود استعفا دهد یا رهبر با استفاده از حق ولایت خود به مجلس دستور بررسی عدم کفایت رییس جمهور را بدهد؟ مهندس موسوی شاید گامی به عقب را مطرح کرده باشد؛ اما در همان بند امکان برداشتن دو گام به جلو را هم پیش‌بینی

بیانیه هفدهم میر حسین موسوی که به تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۸۸ صادر شد، موجی از نظرات مخالف و موافق را با خود به همراه داشته است. این بیانیه را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد و به تحلیل مسائل مطروحه در هر بخش پرداخت. در پاره‌ی نخست، موسوی در واکنش به مسائل پیش آمده در عاشورای حسینی (۶ دیماه) و جریان تبلیغات رسانه‌های هوادار حاکمیت پس از آن، ضمن اعلام آمادگی برای «شهادت در راه مطالبات دینی و ملی»، معترضان را بری از حرمت شکنی عاشورا معرفی می‌کند و طرفداران حاکمیت را به خاطر دست یازیدن به خون مخالفان و تلاش برای ایجاد جنگ داخلی، حرمت شکنان اصلی معرفی می‌کند.

با این حال، اهمیت بیانیه موسوی نه در بخش واکنشی آن که در پاره دوم است. موسوی به عنوان رهبر جریانی که در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم شکل گرفت و نام جنبش سبز را برای خود برگزید و تا کنون هفت ماه است که توقیفی در اعتراضات خود نداشته است، در اقدامی جدید؛ به ارائه راهکارهایی می‌پردازد که به نظر او می‌تواند خواست‌های مخالفان را تامین نماید و اعتراضات را سرانجامی دهد.

او خطاب به حاکمان می‌گوید: «تا وجود یک بحران جدی در کشور به رسمیت شناخته نشود، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد. عدم اذعان به بحران، توجیه‌گر ادامه راه حل‌های سرکوبگرانه خواهد شد. اذعان به وضعیت بحرانی می‌تواند راه حل را نه در سرکوب که بر سر آشتی ملی قرار دهد» و درخواست‌های خود را در پنج سرفصل مطرح می‌کند:

- ۱- مسئولیت‌پذیری دولت در برابر ملت، مجلس و قوه قضاییه.
- ۲- تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخابات.
- ۳- آزادی زندانیان سیاسی.
- ۴- آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده.
- ۵- به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکلهای مهندس میرحسین موسوی در مطرح کردن خواسته‌های خود به صورت هوشمندانه‌ای تمامی ریشه‌های استبداد در جمهوری اسلامی را نشانه رفته است و در عین حال تمام بهانه‌ها را از گروه مقابل خود برای رد کردن خواسته‌های جنبش گرفته است. میرحسین موسوی در بیانیه خود همچنین ایجاد تعادلی در خواسته‌های معترضین را دنبال می‌کند. جنبش سبز طیفی از مخالفان وضعیت فعلی با گرایش‌های مختلف را تشکیل می‌دهد که همه آنها در یک مورد با هم توافق دارند. آنها «محمود احمدی نژاد» را رییس جمهور قانونی